یادداشت روز

# شکست آمریکا از صندوق رأی تا تنگه هرمز

**حسن رشوند**

**تقویم تاریخی گاهی چنان چیدمان رویدادها را در کنار یکدیگر مهندسی می‌کند که فهم پدیده‌ها بدون نگاه به پیوندهای پنهان و آشکار آن‌ها ناممکن می‌شود. چهارم نوامبر ۲۰۲۶ (۱۳ آبان ۱۴۰۵) در تقویم سیاسی و تاریخی مناسبات ایران و آمریکا، همواره نقطه‌ای عطف و یادآور زلزله‌ای بزرگ خواهد بود؛ روزی که در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی)، با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، هیمنه اطلاعاتی و سیاسی امپریالیسم در قلب منطقه غرب آسیا (خاورمیانه آن روز) شکسته شد و یکی از بنیادین‌ترین پیوندهای استعماری واشنگتن گسست. امروز، در چهل‌وهفتمین سالگرد آن واقعه سرنوشت‌ساز، هم‌زمانی انتشار نخستین نتایج و برآوردهای رسمی از انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ کنگره و سنای آمریکا با تحولات نافذ و فرسایشی میدان در تنگه هرمز، تصویر کلانی از یک روند رو به زوال را پیش روی ناظران جهانی قرار داده است؛ روندی که می‌توان آن را در یک گزاره کلیدی خلاصه کرد: «شکست در محاسبه راهبردی؛ از صندوق‌های رأی در آمریکا تا آبراه حیاتی خلیج فارس.»**

**۱- در سوم نوامبر ۲۰۲۶، رأی‌دهندگان آمریکایی در حالی پای صندوق‌های رأی رفتند که از پیش نظرسنجی‌های مختلف شکست جمهوری‌خواهان در این انتخابات را قطعی می‌دانستند و نتایج اولیه شمارش آرا هم تأییدکننده این پیش‌بینی‌ها بود. حتی رئیس‌جمهور متوهم آمریکا هم شکست خود را با این جمله کلیدی که گفته بود «از این پس من رئیس‌جمهور «توییی» خواهم بود» یعنی با از دست دادن کنگره از حق وتوی خود برای مصوبات کنگره استفاده خواهد کرد، عملاً شکست را پذیرفته بود و روز انتخابات هم با بیان این جمله که «اسم من در برگه‌های رأی نبود و اگر من نامزد بودم یک پیروزی قاطع به دست می‌آوردم» خواست گناه این شکست خفت‌بار را به گردن دیگران بیندازد. این در حالی است که او خوب می‌داند این انتخابات طبق سنت سیاسی آمریکا، بزرگ‌ترین رفراندوم و محک جدی برای سنجش مقبولیت دولت وقت و سیاست‌های حزب حاکم به شمار می‌رود و تا پیش از این انتخابات سرنوشت‌ساز، حزب جمهوری‌خواه با در اختیار داشتن ۵۳ کرسی، اکثریت شکننده اما مطمئنی را در سنا حفظ کرده بود، در حالی که دموکرات‌ها ۴۵ کرسی و دو سناتور مستقل همسو را در اختیار داشتند و او باعث این شکست سنگین جمهوری‌خواهان شده است.**

**۲- داده‌های اعلام‌شده توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس پس از پایان دور اصلی شمارش آرا، نشان از یک تحول ساختاری و عمیق دارد. حزب دموکرات موفق شده است اکثریت کرسی‌های کنگره و سنا را از چنگ جمهوری‌خواهان خارج کند. این جابه‌جایی‌های رأی، حاصل شکست‌های زنجیره‌ای نامزدهای حزب حاکم در ایالت‌های کلیدی و سرنوشت‌سازی همچون تگزاس، کانزاس، اوهایو، کارولینای شمالی، کارولینای جنوبی و آیووا بود. به‌عنوان نمونه، پیروزی چشمگیر جیمز تالاریکو در تگزاس بر کن پکستون یا تصاحب کرسی سناتور جمهوری‌خواه در کانزاس توسط آدام همیلتون و بازپس‌گیری کرسی اوهایو توسط شرود براون، نشان داد که پایگاه سنتی جریان حاکم در حال فرسایش شدید است. از دست رفتن کنترل سنا، ضربه‌ای مهلک به کابینه و راهبردهای تقنینی واشنگتن وارد می‌کند که ترمیم آن به‌سادگی میسر نیست. در مجلس نمایندگان نیز، با وجود رقابت نفس‌گیر بر سر تمامی ۴۳۵ کرسی و نیاز به حدنصاب ۲۱۸ کرسی برای کسب اکثریت، گزارش‌های رسانه‌ای وضعیت متفاوتی را به تصویر کشیدند و خبرها حاکی است دموکرات‌ها بیش از ۲۴۵ کرسی را در اختیار گرفته‌اند و این به آن مفهوم است که جمهوری‌خواهان هر دو مجلس را در انتخابات سوم نوامبر از دست داده‌اند و دموکرات‌ها باید این پیروزی خود را که از سال ۲۰۱۱ تاکنون تکرار نشده است که هر دو مجلس را هم‌زمان در اختیار داشته باشند، مدیون ترامپ دیوانه‌ای بدانند که جنگ با ایران را به قیمت فشار به مردم آمریکا، به پله‌ای برای صعود آن‌ها تبدیل کرد.**

**۳- بررسی دقیق نتایج نظرسنجی‌های ملی VoteCast با مشارکت نزدیک به ۸۰ هزار رأی‌دهنده در ۵۰ ایالت، راز این عقب‌نشینی سیاسی را آشکارتر می‌کند. نزدیک به ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی اعلام کرده بودند که عملکرد ریاست‌جمهوری را تأیید نمی‌کنند و حدود ۴۰ درصد صراحتاً اذعان داشتند که رأی خود را صرفاً به‌عنوان ابراز «مخالفت صریح با ترامپ» به صندوق ریخته‌اند. با این وجود، داده‌ها مؤید نکته‌ای بنیادین است. «بحران معیشت و تورم»، ریشه اصلی این نارضایتی عمومی بوده است. بیش از ۸۰ درصد رأی‌دهندگان تأکید کردند که فشارهای اقتصادی و تورم فزاینده، زندگی روزمره آن‌ها را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. در واقع، ماجراجویی‌های پرهزینه خارجی و تبعات اقتصادی جنگ، نه‌تنها باری از دوش شهروندان آمریکایی برنداشته، بلکه صندوق‌های رأی را به ابزاری برای توبیخ سیاستمداران کاخ سفید تبدیل کرده است.**

**۴- در این سوی کره زمین، در خلیج فارس و تنگه هرمز، آثار این خطاهای محاسباتی در قالب آسیب‌پذیری‌های آشکار میدانی و اقتصادی بروز یافته است. اهمیت استراتژیک تنگه هرمز نیازی به گزافه‌گویی ندارد؛ بر اساس آمارهای رسمی اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ روزانه به‌طور میانگین ۲۰.۹ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی (معادل نزدیک به ۲۰ درصد تقاضای جهانی مایعات نفتی) از این گلوگاه ترانزیت می‌شد. اما در سه‌ماهه دوم و سوم سال ۲۰۲۶ میلادی و در سایه تنش‌های فزاینده و ناامنی‌های ناشی از درگیری، این حجم به‌طور چشمگیری سقوط کرده و به حدود ۴.۹ میلیون بشکه در روز رسیده است که طرف ایرانی این میزان صادرات را هم نادرست می‌داند و در واقع، افتی خیره‌کننده بازار جهانی انرژی را به‌شدت ملتهب کرده و هزینه‌های سرسام‌آوری را به اقتصادهای صنعتی اروپا و کل جهان تحمیل نموده است.**

**در سطح رویارویی‌های میدانی و نظامی نیز، مستندات رسانه‌ای و تصاویر ماهواره‌ای ارزیابی‌شده توسط منابع مستقل خبری و نظامی، از واردآمدن خسارات قابل‌توجه به بیشتر تأسیسات، رادارها، سامانه‌های هشدار زودهنگام و زیرساخت‌های لجستیکی متعلق به نیروهای آمریکایی در منطقه حکایت دارند. در همین دو روز گذشته بود که رسانه‌های رسمی داخلی و خارجی گزارش دادند که یگان‌های پدافندی و جنگ الکترونیک ایران موفق به فرود سالم دو فروند پهپاد از نوع MQM-۱۷۰ و سرنگونی حداقل سه فروند پهپاد پیشرفته‌تر MQ-۹ شده‌اند. در خصوص ادعای برخورد نفتکش‌های متخلف با مین‌های دریایی در مسیرهای فاقد مجوز امنیتی نیز، هر روز گزارش‌هایی منتشر می‌شود که برای کاخ سفید نگران‌کننده شده است. پیامد این تحولات کاملاً آشکار است. هزینه‌های سرسام‌آور بیمه جنگی ناوگان تجاری، ایجاد اختلال شدید در زنجیره تأمین انرژی غرب و ناتوانی آشکار ناوگان دریایی آمریکا در تضمین امنیت خطوط مواصلاتی دریایی از پیامدهای آشکاری است که هیچ مقام آمریکایی نمی‌تواند آن را کتمان کند.**

**۵- امروز صدای شکستن استخوان‌های آمریکا با «شکست از صندوق‌های رأی تا شکست در تنگه هرمز» شنیده می‌شود و اگر تا قبل از جنگ دوم و سوم (جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان) برخی این تحولاتی که به‌شدت در مسیر فرسایش قدرت آمریکا پیش می‌رود را نمی‌دیدند، امروز با شکست آن‌ها در صندوق رأی و تظاهرات مردم در خیابان‌های واشنگتن، نیویورک و... و زمین‌گیر شدن ماشین جنگی آن‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز باید این درس عبرت را به آن‌ها داده باشد که این رستاخیز بزرگ تازه شروع شده است و از این پس آن‌ها باید شاهد شکست‌های دومینووار بیشتری باشند. شکستی که «فرسایش مشروعیت سیاسی در درون مرزها» و «استیصال عملیاتی در بیرون مرزها» را برای هیئت حاکمه آمریکا به تصویر کشیده است.**

**۶- از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ که هیمنه سیاسی واشنگتن در تهران فرو ریخت تا ۱۳ آبان ۱۴۰۵ که ملت رشید ایران ۲۴۸ شب است که مرگ بر آمریکا را در خیابان‌های این کشور فریاد می‌زنند و حملات این رژیم امام‌کش و کودک‌کش را محکوم می‌کنند تا سوم نوامبر ۲۰۲۶ که اکثریت کنگره و سنا در سایه نارضایتی عمیق شهروندان آمریکایی از دست رفته است، یک خط ممتد جریان دارد؛ اینکه قدرت‌های سلطه‌گر هرچقدر هم از برتری تکنولوژیک یا تسلیحاتی برخوردار باشند، در برابر اراده ملت‌ها و مقاومت ملت‌های آزاده منطقه‌ای آسیب‌پذیرند.**

بقیه در صفحه ۷

# دکترین «بدون محدودیت جغرافیایی» و آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا خارج از منطقه

**پس از دستور فرمانده معظم کل قوا مبنی بر آنکه هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخی فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود، اکنون بانک اهداف جدیدی روی میز فرماندهان ایران قرار گرفته است.**

دستور اخیر رهبر انقلاب به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، که در آن تأکید شده هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخی «فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی» روبه‌رو شود، بیش از آنکه یک موضع سیاسی باشد، تغییری در منطق بازدارندگی است.

معنای روشن این دستور آن است که ایران در صورت حمله، پاسخ خود را به مرزهای منطقه غرب آسیا محدود نمی‌داند و ممکن است دارایی‌های نظامی طرف مقابل را در جغرافیای دیگر نیز در محاسبات خود قرار دهد. همین‌جا پرسش کلیدی مطرح می‌شود: خارج از منطقه، آمریکا در کدام کشورها پایگاه‌هایی دارد که می‌توانند در فهرست احتمالی اهداف ایران قرار بگیرند؟

برای پاسخ، ابتدا باید اندازه شبکه پایگاه‌های آمریکا را در نظر گرفت. ایالات متحده در ده‌ها کشور جهان، از اروپا و آسیا تا آفریقا و اقیانوسیه، صدها تأسیسات نظامی کوچک و بزرگ دارد. این گستردگی برای واشینگتن هم مزیت است و هم نقطه‌ضعف؛ مزیت زیرا امکان انتقال نیرو و اعمال قدرت را فراهم می‌کند، و نقطه‌ضعف زیرا هر پایگاه یک دارایی قابل تهدید است.

ایران برای باورپذیر کردن آموزه «بدون محدودیت جغرافیایی» لازم نیست همه این پایگاه‌ها را هدف بگیرد؛ کافی است نشان دهد که در نقاطی خارج از منطقه، توانایی یا اراده ایجاد خطر را دارد. همین احتمال، هزینه دفاعی و سیاسی طرف مقابل را بالا می‌برد.

### دیگو گارسیا؛ نماد گسترش دامنه

شاید روشن‌ترین نمونه تلاش ایران برای نشان دادن توانایی خارج از منطقه، موضوع پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند باشد. این پایگاه مشترک آمریکا و بریتانیا از نظر راهبردی بسیار مهم است و در فاصله‌ای حدود چند هزار کیلومتری از ایران قرار دارد.

در مارس ۲۰۲۶، ایران دو موشک بالستیک میان‌برد، به‌عنوان تیر هشدار به سمت این منطقه شلیک کرد؛ هرچند جزئیات فنی و نتیجه دقیق آن محل بحث است، اما خود این اقدام نشان‌دهنده یک پیام روشن است: ایران می‌خواهد این تصور را که توان موشکی‌اش صرفاً در چارچوب منطقه‌ای محدود است، به چالش بکشد. اگر چنین توانی حتی به‌صورت محدود وجود داشته باشد، پایگاه‌های دوردست آمریکا نیز نمی‌توانند خود را کاملاً خارج از معادله بدانند.

### اروپا؛ محتمل‌ترین حوزه خارج از منطقه

در میان گزینه‌های خارج از غرب آسیا، اروپا بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند. در فهرست‌های موجود از پایگاه‌های آمریکایی، تأسیسات نظامی در کشورهایی مانند آلمان، ایتالیا، یونان، بریتانیا و همچنین مناطقی در بالکان و مدیترانه به‌عنوان گزینه‌های بالقوه مطرح شده‌اند.

منطق این انتخاب روشن است. آلمان ستون فقرات تدارکات و فرماندهی آمریکا در اروپا است؛ پایگاه هوایی رامشتاین یکی از مهم‌ترین کانون‌های هوایی و پشتیبانی ارتش آمریکا در خارج از خاک این کشور محسوب می‌شود. ایتالیا با پایگاه‌های دریایی و هوایی خود، دسترسی آمریکا به مدیترانه مرکزی را آسان‌تر می‌کند.

بریتانیا نیز به دلیل جایگاه ویژه در همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی با آمریکا، همواره یک بازیگر کلیدی بوده است. در این میان، پایگاه‌هایی در بلغارستان و قبرس نیز به‌عنوان گزینه‌های محتمل‌تر نسبت به اهداف دورافتاده‌تر مطرح می‌شوند؛ هرچند باید تأکید کرد که این‌ها بیشتر تحلیل و گمانه‌زنی راهبردی است و نه یک فهرست رسمی و قطعی. یونان و به‌ویژه جزیره کرت، موقعیت مهمی در شرق مدیترانه دارند. پایگاه «سودا» در منطقه‌ای راهبردی در خلیج سودا، واقع در جزیره کرت یونان قرار دارد. این پایگاه تحت فرماندهی منطقه دریایی آمریکا با عنوان EURAFCENT فعالیت می‌کند و به‌صورت هوایی و دریایی از سه فرماندهی جغرافیایی آمریکا پشتیبانی می‌نماید: فرماندهی اروپایی (EUCOM)، فرماندهی آفریقا (AFRICOM) و فرماندهی مرکزی (CENTCOM).

نکته مهم دیگر آن است که اروپا از نظر دفاع هوایی نیز در وضعیت کاملاً ایده‌آلی قرار ندارد. جنگ اوکراین بخش قابل‌توجهی از سامانه‌های پدافندی و ذخایر موشک‌های رهگیر کشورهای اروپایی را مصرف کرده و در برخی مقاطع، اولویت تأمین تسلیحات به منطقه غرب آسیا منتقل شده است. این وضعیت به معنای آن است که حتی تهدید محدود علیه پایگاه‌های اروپایی می‌تواند اثر روانی و سیاسی بزرگی ایجاد کند، بدون آنکه ایران نیاز به توانایی حمله گسترده داشته باشد.

### جیبوتی و شاخ آفریقا

در آفریقا، پایگاه لِمونیه در جیبوتی تنها پایگاه دائمی آمریکا در قاره آفریقا است و به دلیل موقعیتش در نزدیکی باب‌المندب و مسیرهای دریایی دریای سرخ، اهمیت راهبردی دارد. ایران تاکنون تهدید مستقیمی علیه این پایگاه مطرح نکرده است، اما در حالت‌های تشدید تنش، این پایگاه به دلیل نزدیکی نسبی به منطقه و نقشش در امنیت دریایی، می‌تواند به‌عنوان یک گزینه بالقوه در تحلیل‌ها مطرح شود.

پایگاه نظامی کمپ لمونیه، بزرگ‌ترین و تنها پایگاه دائمی ارتش آمریکا در قاره آفریقا به شمار می‌رود. این پایگاه در مجاورت فرودگاه بین‌المللی جیبوتی و در نزدیکی پایتخت این کشور قرار دارد. آمریکا این پایگاه را از سال ۲۰۰۲ و پس از اجاره آن از فرانسه در اختیار دارد و از آن زمان تاکنون نقش مهمی در عملیات منطقه‌ای ایفا کرده است.

فرماندهی آفریقا در این پایگاه مستقر است و حدود ۴ هزار نیروی آمریکایی در آن حضور دارند. کمپ لمونیه شامل ۶ پایگاه مرتبط با پهپادهای شناسایی است که در نقاط مختلف آفریقا فعالیت دارند. همچنین، اسکادرانی از جنگنده‌های پیشرفته اف-۱۵ استرایک ایگل در این پایگاه مستقر شده‌اند.

### فراتر از موشک و پهپاد؛ نقش نیروهای همسو

یک نکته مهم که در تحلیل‌های صرفاً فنی درباره «بدون محدودیت جغرافیایی» کمتر دیده می‌شود، این است که لزوماً قرار نیست همه این پایگاه‌ها با موشک یا پهپاد ایرانی هدف قرار بگیرند. در کنار توان موشکی و پهپادی، باید احتمال دیگری را نیز جدی گرفت: وجود نیروها و آزادگانی در کشورها و مناطقی که این پایگاه‌ها در آن قرار دارند و خود را همسو با مقاومت در برابر حضور نظامی آمریکا می‌دانند.

در سال‌های گذشته، نمونه‌هایی از اقدامات علیه تأسیسات نظامی آمریکا در کشورهای مختلف دیده شده است؛ از حمله به پایگاه‌های هوایی در اروپا گرفته تا تحرکات علیه کاروان‌های لجستیکی و تأسیسات پشتیبانی در آسیا و آفریقا. برخی از این اقدامات توسط افراد یا گروه‌هایی انجام شده که لزوماً وابستگی سازمانی مستقیم به ایران نداشته‌اند، اما از نظر سیاسی و اعتقادی خود را در جبهه مقابله با حضور نظامی آمریکا تعریف می‌کنند.

این موضوع از دو جهت اهمیت دارد. نخست، از نظر نظامی، دفاع از ده‌ها پایگاه پراکنده در کشورهای مختلف در برابر تهدیدهای کوچک و پراکنده بسیار دشوارتر و پرهزینه‌تر از دفاع در برابر حمله متمرکز موشکی است. یک حمله موشکی را می‌توان با سامانه پدافندی شناسایی و دفع کرد، اما نفوذ فردی یا گروهی به محوطه یک پایگاه، خرابکاری در خطوط لجستیکی، یا حمله به خودروهای نظامی در مسیر تردد، به تدابیر امنیتی بسیار گسترده‌تری نیاز دارد.

دوم، از نظر سیاسی، وقتی اقدام علیه یک پایگاه آمریکایی توسط گروهی محلی و نه مستقیماً توسط دولت ایران انجام شود، هزینه سیاسی و بین‌المللی برای تهران به‌مراتب کمتر است، در حالی که اثر بازدارندگی پیام همچنان منتقل می‌شود.

بنابراین، آموزه «بدون محدودیت جغرافیایی» را باید ترکیبی از دو لایه دید: لایه اول، توان سخت‌افزاری ایران در حوزه موشک و پهپاد که می‌تواند پایگاه‌هایی در فاصله چند هزار کیلومتری را تهدید کند؛ لایه دوم، شبکه‌ای از نیروها و آزادگان همسو در کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکا که می‌توانند بدون نیاز به تسلیحات سنگین، هزینه امنیتی حضور آمریکا را در نقاط مختلف جهان بالا ببرند. ترکیب این دو لایه است که «بدون محدودیت جغرافیایی» را از یک شعار به یک معادله راهبردی واقعی تبدیل می‌کند.

در نهایت باید خاطرنشان کرد که پس از دستور فرمانده معظم کل قوا، به جهت پاسخ فوری به هرگونه تجاوز، بدون محدودیت جغرافیایی، تهران خود را از نظر سیاسی و راهبردی مجاز می‌داند در صورت تجاوز، دارایی‌های طرف مقابل را در هر جغرافیایی که در آن تجاوز نقش داشته باشد، در معادله پاسخ قرار دهد.

به گزارش مشرق، در عمل، محتمل‌ترین حوزه‌های خارج از منطقه، اروپا و اقیانوس هند هستند؛ جایی که پایگاه‌هایی مانند رامشتاین، تأسیسات مدیترانه، پایگاه‌های بلغارستان و قبرس و دیگو گارسیا هم از نظر دسترسی عملیاتی و هم از نظر اثر سیاسی، اهمیت بالایی دارند. اما همان‌قدر که توان موشکی و پهپادی اهمیت دارد، احتمال اقدام آزادگان و نیروهای همسو با ایران در کشورهای میزبان این پایگاه‌ها نیز باید جدی گرفته شود؛ عاملی که می‌تواند دامنه تهدید را بدون نیاز به حمله مستقیم گسترش دهد. آنچه این وضعیت را خطرناک‌تر می‌کند، ابهام در فهرست دقیق اهداف، ابزارها و بازیگران از سوی ایران و متحدان آن است؛ همان ابهامی که خود به یک ابزار بازدارندگی تبدیل شده است.

گفت و شنود

# پاداش پادوها!

گفت: در مراسم تشییع مرحوم علیدوستی هنگام نواختن سرود ملی ایران، گزارشگر سابق حاشیه‌ساز و بدسابقه ورزشی صدا و سیما نه تنها خودش نمی‌ایستد بلکه به فرد کناری‌اش هم اجازه نمی‌دهد به سرود ملی کشورش احترام بگذارد!

**گفتم: چند نفر دیگر از همین اجق وجق‌های وطن‌فروش از جمله، کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال هم مثل گوجه‌فرنگی لِه‌شده به صندلی چسبیده‌اند و ادای احترام نمی‌کنند!**

گفت: حالا آمریکا به این پادوهای وطن‌فروش خود چه پاداشی قرار است بدهد؟!

**گفتم: یارو که خیلی عشق آمریکا داشت، میهمان یک آمریکایی شده بود و تصمیم گرفت برای خوش‌آمد او هنگام غذا خوردن، کارهای آمریکایی را دنبال کند. مرد آمریکایی یک بشقاب برداشت و او هم تقلید کرد. آمریکایی مقداری شیر توی بشقاب ریخت و یارو هم همین کار را کرد. آمریکایی چند تا بیسکویت توی بشقاب ریخت و یارو هم همان کار را کرد. در این هنگام آمریکایی سگش را صدا کرد و بشقاب را جلوی سگش گذاشت و....**

رئیس قوه قضائیه:

## ترامپ هم در جنگ شکست خورد هم در سیاست

**رئیس قوه قضائیه تاکید کرد: ترامپ هم در جنگ شکست خورد و هم در سیاست. قطعاً شکست‌های بیشتری بر او تحمیل می‌کنیم.**

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای روز چهارشنبه در فضای مجازی نوشت: ترامپ هم در جنگ شکست خورد و هم در سیاست. قطعاً شکست‌های بیشتری بر او تحمیل می‌کنیم؛ «کاین هنوز از نتایج سحر است.»

محسنی اژه‌ای افزود: ۱۳ آبان همیشه روز شکست آمریکایی‌ها بوده است. یاد همه شهدای دانش‌آموز و دانشجو و بالاخص دانش‌آموزان عزیز و شهید میناب گرامی باد.

## مخبر: ترامپ از مردمش سیلی خورد

**مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در پیامی نوشت: ترامپ از مردم آمریکا سیلی خورد و ایران با انتقال هزینه جنگ به ایالات متحده، برنده میدان شد.**

محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام معظم رهبری، با اشاره به نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ایالات متحده، در صفحه شخصی خود نوشت: ترامپ جنایتکار هر نوع تلاش ممکن را انجام داد که حزبش پیروز شود، ولی از مردمش سیلی خورد. پیروز واقعی این میدان ایران بود که هزینه جنگ را به داخل آمریکا منتقل کرد. مخبر بیان کرد: ادامه سیاست شکست‌خورده ترامپ، باقی‌مانده حیثیت آمریکا را به برکت خون شهدا و به دست ملت ایران و جبهه مقاومت به باد خواهد داد.

سردار قاآنی اعلام کرد

## آمادگی جبهه مقاومت برای برخورد بدون مرز با دشمن

**فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد: پس از پیام پرصلابت ولی‌امر مسلمین جهان درباره برخورد بدون مرز با دشمن، مردان جبهه مقاومت با اعلام مکتوب وفاداری تمام‌عیار، وحدت ساحات را به رخ کشیدند.**

سردار اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد: پس از پیام پرصلابت ولی امر مسلمین جهان درباره برخورد بدون مرز با دشمن، مردان جبهه مقاومت با اعلام مکتوب وفاداری تمام‌عیار، وحدت ساحات را به رخ کشیدند.

به گزارش فارس، فرمانده نیروی قدس سپاه افزود: نشان دادند فرماندهان، پیام را در عالی‌ترین سطح دریافت و عملیاتی کرده‌اند.

سردار قاآنی تصریح کرد: درود بر دلاورمردان خط مقدم عزت اسلام.

کیهان و خوانندگان

## ۳۳۱۱۰۰۶۵
## ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) روزهایی که جامعه اسلامی با مسئله‌ای سرنوشت‌ساز روبه‌رو بود، حضرت زهرا(س) در آن شرایط، صرفاً نظاره‌گر حوادث نماندند. ایشان با سخنرانی، بیان استدلال و موضع‌گیری روشن، دیدگاه خود را درباره حق و آینده جامعه بیان کردند. این رفتار نشان می‌دهد که در نگاه فاطمی، مسئولیت یک مسلمان در برابر جامعه با دشوار شدن تحولات اجتماعی، جنبه‌ای سرنوشت‌ساز می‌یابد.

**خسروانی**

* فرمانده معظم کل قوا در دیدار فرماندهان ارشد نظامی کشور در بخشی از فرمایش خود در تهدید دشمن فرمودند«بدون محدودیت جغرافیایی» یعنی این بار اگر تهدیدی عملیاتی شود، دامنه پاسخ کنشگرانه ایران به منطقه محدود نمی‌شود و می‌تواند قلمرو بسیار بزرگی پیدا کرده و قلمرو ناتو و حتی کشورهای اروپایی را هم زیر آتش بگیرد!

**پورجعفری**

* با توجه به فرمان فرمانده معظم کل قوا در دیدار فرماندهان ارشد نظامی کشور که اولین دیدار جمعی آنان با ایشان می‌باشد، فرمودند «هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود.» ضمن تشکر از نیروهای مسلح مقتدر و عزیزمان، ما مردم مبعوث شده خواهان تأدیب و تعقیب دشمنان در اقصی نقاط جهان هستیم.

**قورچی**

*استواری ملت مبعوث نشان داد فولاد تسلیحات سپاه و ارتش، در کوره ایمان و وفاداری این ملت گداخته شده است. سپاه و ارتشی که پشت‌گرم به ایران انقلابی، آگاه و در صحنه است، هرگز در میدان نبرد عقب نخواهد نشست و از ناوهای جنگی دشمن نخواهد هراسید.

**خلیلی**

* به رژیم‌های مفلوک آمریکای بدذات و صهیونی‌های وحشی و قاتل باید این واقعیت مسلم را یادآوری کرد که دورانی که می‌توانستید با ترور یا تهدید هوائی صحنه را تغییر دهید و سپس پشت میزهای مذاکره یا خطوط قرمز بین‌المللی پنهان شوید، به گورستان تاریخ پیوست. اگر دست از پا خطا کنید، جنگی را شروع خواهید کرد که شما صرفاً آغازکننده آن هستید اما تاریخ و نحوه پایان آن، توسط ایران و ایرانیان نوشته خواهد شد.

**پورجعفری**

* دشمنان بدخواه ایران باید بدانند که ملت مبعوث ایران نه آغاز تجاوز را می‌پذیرد و نه پایان آن را به متجاوز واگذار می‌کند. پایان را ما می‌نویسیم و ما تعیین می‌کنیم نه شما؟

**ابراهیمی دیزآبادی**

* یکی از عناصر مورد تاکید رهبری در بازدارندگی حداکثری نظامی و تولید ثبات امنیتی، جبهه مقاومت در کشورهای مختلف و وحدت ساحات است. دنیا در جنگ رمضان شاهد عملکرد تهاجمی مشترک جبهه مقاومت بود؛ پهنه‌ای از لبنان در سواحل دریای مدیترانه تا یمن در سواحل دریای سرخ به صحنه آمد. اینک اگر تهدید جدیدی شکل بگیرد، این جبهه با عمل در گستره‌ای بزرگ‌تر وارد میدان خواهد شد.

**فیض‌آبادی**

* کارشناسان غربی اظهار می‌دارند که برخلاف وعده انتخاباتی ترامپ برای کاهش قیمت بنزین به کمتر از ۲ دلار در هر گالن، جنگ با ایران قیمت بنزین آمریکا را به ۴/۲۰ دلار رسانده است؛ افزایشی نزدیک به ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته و قیمت گازوئیل نیز با جهش ۷۰ درصدی به ۶/۳۲ دلار رسیده است! این تنها دو قلم از دهها قلمی است که با افزایش‌های چشمگیری روبه‌رو شده و ترامپ احمق هم در گِل گیر کرده است!

**محمودی**

* یکی از موارد بازدارندگی و کمک‌کننده به پایان دائمی جنگ و تهدید دشمنان، ملت مبعوث هستند که هشت ماه پیاپی میادین و خیابان‌ها را ترک نکرده و باطل‌کننده ضلع امنیتی جنگ ترکیبی دشمنان بوده است.

**خانبلوکی**

* مدیرکل روابط عمومی آموزش و پرورش فلسطین در غزه، اعلام کرد بیش از ۸۰۰ معلم در نوار غزه، توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسیده‌اند. ترس و واهمه رژیم جعلی از تربیت نسل فلسطینی حق‌طلب و حمله به آینده و تلاش برای محروم کردن نسل‌های فلسطینی از حق آموزش و زندگی است.

**درویشی**

* افسار سردمداران آمریکا، اروپا و بسیاری از کشورهای جهان به شکل آشکار و پنهان در دستان کثیف صهیونیست‌هاست و ترس حکومت‌ها از آمریکا بیشتر به لحاظ قدرت نظامی -البته توخالی- و بعضا اقتصادی (دلار) یانکی‌ها است.

**خندابی**

* کریس مورفی، سناتور آمریکایی گفته است ایران پس از پایان این جنگ، به‌شکلی بنیادین قدرتمندتر از گذشته در صحنه منطقه‌ای ظاهر خواهد شد و تمام کشورهای حوزه خلیج‌فارس ناگزیرند با این واقعیت مواجه شوند.

**علیپور**

* خاخام یهودی گفته، شجاعت ده قسم دارد که نه قسم آن میان ایرانیان تقسیم شده است؛ در آینده روم به دست ایران سقوط می‌کند! ان‌شاءالله رژیم صهیونی هم محو خواهد شد.

**پارسا**

*باید توجه کرد از جهت دشمنی با مردم ایران، هیچ تفاوتی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آمریکا وجود ندارد. و حتی دموکرات‌ها در دشمنی با مردم ایران حرفه‌ای‌تر از جمهوری‌خواهان هستند.

**پورعزت**

*کاهش ناچیز قیمت نفت برنت و بنزین در داخل آمریکا به واسطه مذاکرات در حال انجام بین ایران و ایالات متحده توسط میانجی‌ها، برای افکار عمومی و خود دولت آمریکا، اروپا و چین ثابت کرد که پایان جنگ با ایران می‌تواند حال مردم دنیا را بهتر کند و این دستاورد بزرگی برای ایران است که اهمیت تنگه هرمز را به رخ جهانیان کشید.

**سرهنگ‌نژاد**

*معتقدم دیپلماسی باید راه خود را برود (گرچه تجربه نشان داده که راه به‌جایی نخواهد برد.) اما با توجه به عبارت «برخورد بدون محدودیت جغرافیایی» با دشمن در دستور جدید رهبر معظم انقلاب به فرماندهان ارشد نظامی، باید خیلی سریع هسته‌های مقاومت در سراسر جهان را برای ضربه زدن به منافع و منابع آمریکا و اسرائیل آماده کرد.

**داداش‌پور**

*حمله مجدد آمریکا به ایران، برخلاف محاسبات واشنگتن، محدود به اهداف نظامی نخواهد ماند و می‌تواند زیرساخت‌های حیاتی، پایگاه‌های منطقه‌ای و منافع راهبردی آمریکا را در معرض پاسخ‌های سنگین تهران قرار دهد. جنگ دوباره با ایران شاید آغازش در اختیار واشنگتن باشد، اما همان‌گونه که شهید قاسم سلیمانی گفت پایان جنگ و هزینه‌های آن الزاماً مطابق محاسبات آمریکا نخواهد بود.

**اسحاقی**

*نیروهای مسلح مقتدر ایران اسلامی با تکیه بر دانش بومی، توسعه توان موشکی و پهپادی، تجربه عملیاتی و ظرفیت‌های دفاعی، مؤلفه‌هایی را در اختیار دارند که هر محاسبه نظامی علیه کشور را به شکستی سنگین و تمام عیار برای متجاوزان همراه می‌کند. در یک کلام هرگونه تحرک جدید رژیم صهیونی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند کار این رژیم برای همیشه تمام کند.

**ابراهیم‌وند**

*علیرضا دبیر، با شایستگی‌هایی که نشان داده، امروز به یک نماد موفق ترکیب تخصص و تعهد در مدیریت تبدیل شده است. در حال حاضر کشور به مدیرانی نیاز دارد که مثل یک مدیر کاربلد، هم کارش را خوب بلد باشد و هم متعهد باشد و هم پاسخگو، چه در کُشتی، چه در خودروسازی و چه در اقتصاد.

**خلجی**

* در واکنش به تهدید رئیس‌جمهور آمریکا درباره تکرار تجاوز و استفاده از «مادر بمب‌ها» باید گفت: این تهدیدها، نه تنها اراده ایران و ایرانی را نمی‌شکند بلکه بسیار قوی‌تر و مصمم‌تر می‌کند.

**شیشه‌گر**

*حکایت این اماراتی‌ها، این‌طور است که به هر کشوری می‌رسند و یا به هر کنفرانسی می‌روند با چرب کردن سبیل این و آن یک بیانیه‌ای می‌دهند و ادعای مالکیت بر جزایر ایرانی می‌کنند. به قول معروف باید گفت «چاه باید از خودش آب داشته باشه» و با التماس به این و آن و گرفتن چهار تا بیانیه، راه به جایی نمی‌برید و این چاه تا ابد برایتان خشک خواهد ماند.

**پالیزبان**

*ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، درباره اعتراضات گسترده در این کشور گفته عامل اصلی که این بحران قدرت خرید را شعله‌ور کرد، جنگ با ایران، محاصره تنگه هرمز و افزایش قیمت سوخت ناشی از آن‌ها است. آن وقت این‌جا داخل مملکت ما یک‌عده غرب‌پرست ماموریت داشتند به مردم ایران بگویند کارت تنگه هرمز سوخته و بستن تنگه هرمز هیچ اثری بر آمریکا و کشورهای اروپایی ندارد.

**بنایی**

# صف